

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه تحقیق و بیان رأی نهایی

در جلسه قبل گفتیم در مقام امتثال کسر و انکسار بین مصالح و مفاسد صورت می گیرد و آنکه غلبه دارد مقدم می شود و حکم برای آن می باشد. حال سوال این است که ملاک اهمیت و غلبه چیست؟ این بحث را علماء در بحث تزامم بیان کرده اند و ربطی به این بحث ما ندارد؛ در فوائد الاصول یا محاضرات بحث تزامم آمده است.

مثلاً در تزامم دو واجب مضیق و موسع، مضیق مقدم است یا در تزامم ما له البذل و ما لیس له البذل، ما لیس له البذل مقدم است و...

جالب این که کسی مثل مرحوم خوئی که می فرمایند: قاعده ملازمه کبرائی است که صغری ندارد و عقل از درک مناطات عاجز است، در بحث تزامم گوید: عقل داوری می کند؛ که این سوال مطرح می شود که اگر عقل عاجز است، چطور این جا داوری می کند چون می خواهیم حکم کنیم و یکی را مقدم کنیم؟

اما در مقدمه پنجم بودیم؛ حال باید دید محل اختلاف از کجا شروع می شود؟ جلسه قبل تحت عنوان رابطه تجری و فعل خارجی مطالبی بیان کردیم. کلمات علماء را نقل و بررسی کردیم.

در بررسی و اظهار نظر باید دید در تجری چه مراحل رخ می دهد. فلاسفه می گویند: هر شخصی اول تصویری از آن کار پیش خود دارد، بعد جوانب را تصور می کند، بعد تصدیق فائده می کند، بعد شوق و اراده و در نهایت فعل را انجام می دهد. در تجری هم همین طور است؛ تصور و تصدیق و شوق و بعد اراده و بعد فعل را انجام می دهد و البته مصادف واقع نمی شود. در این جا باید دید تجری در کدام مرحله محقق می شود و مسبوق تجری چیست؟ مثلاً در مثال شرب الماء به نیت شرب الخمر، شرب خمر را تصور می کند و سپس فایده اش را تصدیق می کند و سپس بدون توجه به اهمیت فرمایش مولی به نیت شراب می نوشد، ولی در واقع شرب الماء می کند.

به نظر آنچه که تجری است آن فعل خارجی نیست. تجری را به جرئت ورزیدن بر مولی در جایی که قطع مخالفت واقع باشد، معنا می کنند. فعل خارجی شرب الماء است که المتوهم کونه خمر. آنچه که تجری است در واقع در مراحل قبلیش است و آن اراده عبد بر عصیان به حسب اعتقاد خودش و هتک حریم مولی، ظلم بر مولی است؛ بلکه قبول داریم که اگر این هتک حریم در غالب یک فعل اقدام نشود، به آن تجری نمی گویند ولی تجری مسبوقش این مجموعه است. عبارت مرحوم شیخ انصاری را می پسندیم که می فرمودند: فعل خارجی محقق تجری است که گفتیم این محقق بودن با عینیت یا جزئیت می سازد که اگر به نحو جزئیت یا شرطیت معنا کنیم با اندیشه ما یکی می شود. اگر فعل خارجی محضاً تجری بود و قبلیش مقدمات تجری بود بلکه ولی فعل خارجی تجری نیست بلکه تصور حرام و تصدیق به فائده در مقام معصیت بر آمدن و البته این در مقام معصیت بر آمدن را هم در غالب فعل خارجی نشان دهد. لذا باید حساب تجری را از حساب فعل خارجی جدا کرد.

مقدمه ششم: تأثیر اعتقاد و قطع متجری در ارزش گذاری فعل

دو نفر در شرایط کاملاً مساوی با دو اعتقاد متفاوت، کار واحدی را انجام می دهند؛ مثلاً یکی به اعتقاد انه الماء، شرب الماء می کند و یکی با اعتقاد انه الخمر، شرب ماء می کند.

مراد از قیمت گذاری سه چیز است:

اول: مصلحت و مفسده که به آن مناط گویند. دوم: حسن و قبح که حکم عقل است سوم: وجوب و حرمت که حکم شرع است.

اقوال

علماء در این زمینه به دو دسته تقسیم می شوند:

الف: اندیشه نفی: - نفی تأثیر اعتقاد در ارزش گذاری فعل - مرحوم آخوند قائل به نفی بود و فرمود اعتقاد فعل را از ما هو علیه تغییر نمی دهد. همچنین محقق نائینی قائل به نفی است البته نسبت به مرحوم آخوند مطلب اضافه ای دارد؛ می فرماید خاصیت قطع تغییر واقع نیست؛ بلکه ادعایش کشف واقع است هر چند گاهی اشتباه می کند و واقع را جلوی قاطع نمی گذارد. - قطع طریقی محل بحث ما است بر خلاف قطع موضوعی که در آن کشفی نداریم - و با کشف شیء چیزی را بر شیء زیاد نمی کند اصلا. مرحوم امام هم از این گروه است. دلیل این گروه غالبا وجدان است.

ب: اندیشه اثبات: - اثبات تأثیر اعتقاد در ارزش گذاری فعل -؛ مرحوم بروجردی و محقق خوئی و مرحوم عراقی قائل به اثبات می باشند؛ منتهی تفاوت هایی با هم دارند. که کلامشان بیان می شود.

کلام مرحوم بروجری

ایشان می فرمایند: فعل متجری به یک عنوان ذاتی دارد - شرب الماء - که این عنوان ذاتی باقی است و یک عنوان عرضی که بخاطر قطع متجری پیدا می کند که طغیان و تجری و هتک حرمت می باشد. و به خاطر این عنوان عرضی، شرب الماء قبیح می شود.

الحمد لله رب العالمین